

می‌توانیم به آینده بهتر امید داشته باشیم

12 تیر 1401

احتمال اینکه شما هم زن و کار قهرمانانه‌اش را دیده باشید، زیاد است. خوشبختانه به مدد امکانات [فضای مجازی](#) خبرها و اتفاقات خوب هم مثل بدها زود پخش می‌شود. شاید قشنگی کار هم همین‌جا باشد. خبرها و اتفاقات خوب حال‌مان را خوب می‌کند و باعث می‌شود چشم روی زشتی‌ها نبندیم تا دنیا از این چیزی که هست زشت‌تر شود. البته خبر کذب، خوب و بدش بد است. نه به اندازه هم اما هر دو دروغی بیش نیستند. یکی زشتی را بیشتر و آن دیگری امید و رویای کاذب می‌سازد.

خوشبختانه عمل زن دروغ نیست. مثل ماجرای شخصیت فیلم مستند آن شب که بارون اومد هم اغراق شده نیست. حداقل آن‌طور که از دوربین‌های مداربسته مشخص است این‌طور نیست. ماشینی به موتور در حال حرکتی می‌زند و راکبش که پسر جوانی است، پرت می‌شود و بدنش روی زمین کشیده می‌شود. باقی ماجرا را لابد دیده‌اید. زن دوان دوان می‌آید و با تلاش خستگی‌ناپذیر به داد پسر جوان می‌رسد. زن با کارش فقط جان جوان را نجات نمی‌دهد، به خیلی‌ها یادآوری می‌کند از کنار وقایع بی‌تفاوت نگذرنند. فرق نمی‌کند این اتفاق مثل اتفاقی که برای این جوان یا شخصیت فیلم شب‌های زاینده‌رود افتاد تصادف باشد یا کتک زدن مرد و زنی در خیابان!

اگر همانند رهگذران آن فیلم باشیم و بویی از نوع دوستی زن اتفاق جدید نبرده باشیم تاوانش را فقط کسی که زمین افتاده و از بدنش خون می‌رود نمی‌دهد، دیر یا زود نوبت ما هم می‌رسد، آن وقت فریادرسی نیست تا به داد ما برسد. بیراه نیست اگر تصور کنیم آدم‌هایی که از کنار اتفاقاتی که برای دیگران رخ می‌دهد، بی‌توجه می‌گذرند در اصل از کنار اتفاقاتی که در آینده برای خودشان رخ می‌دهد بی‌توجه رد می‌شوند. برعکس آن هم صادق است. خود را به ندیدن زدن بعضی اتفاقاتی که در کوچه و بازار می‌بینیم باعث می‌شود تا اتفاقات بد آینده زندگی خود را نبینیم.

خوشبختانه زنی که عمل قهرمانانه‌اش را شاید دیده باشید نشان داد هنوز آدم‌هایی هستند که از کنار اتفاقاتی که برای دیگران رخ می‌دهد، ساده نمی‌گذرند. به خاطر همین می‌توانیم به آینده بهتر امید داشته باشیم.

*حسن لطفی، نویسنده